

استعاره

مینو یغمایی*

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی / بهمن ۱۴۰۰؛ ۲۱(۵۹): ۵۴۶ تا ۵۴۷

یادگیری به مثابه کارخانه»، «یاد دادن به مثابه باغبانی»، و «یاد دادن به مثابه مسافرت» اشاره کرد. در اینجا به صورت مختصر به استعاره یادگیری به مثابه کارخانه اشاره می‌شود.

شکل اولیه استعاره «محیط یادگیری به مثابه کارخانه»، در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده میلادی هم‌زمان با انقلاب صنعتی در آمریکا و برخی کشورهای اروپای غربی مطرح شد. در اینجا محیط یادگیری به مثابه کارخانه‌ای با خط تولید انبوه در نظر گرفته می‌شود و افزون بر کارخانه که باید از حیث ماشین‌آلات و عوامل محیطی و شاغلین (ابزار آموزشی، محیط آموزشی، و آموزش‌دهندگان) دارای مشخصاتی استاندارد باشد، ماده خام اولیه (یادگیرندگان) هم باید برای ورود به کارخانه حائز شرایط خاص و از پیش تعیین شده‌ای (معیارهای انتخاب یادگیرنده) باشند. در کارخانه مواد خام اولیه طی فرایند مشخصی (آموزش با کوریکولوم مبتنی بر پیامدهای عینی) تبدیل به محصول نهایی که منطبق بر نیازهای بازار (یاددهی منطبق بر نیازهای جامعه) طراحی شده است می‌شوند و قبل از ورود به بازار کیفیت آن جهت داشتن استانداردهای حداقلی از پیش تعیین شده مورد بررسی (ارزیابی یادگیرنده) قرار می‌گیرد و تنها پس از کسب موفقیت در این ارزیابی‌ها اجازه عرضه در بازار (فارغ‌التحصیلی) را پیدا می‌کنند. لازم به ذکر است که در سال‌های بعدی این استعاره ارتقا یافت.

همان‌جور که مشاهده می‌شود استعاره محیط یادگیری به

متافور (استعاره) از ریشه یونانی metapherein (cross over) شامل دو جز meta (over, across) و pherein (to carry) به معنای انتقال دادن، شیوه‌ای از بیان است که در آن کلمه یا تعبیری از یک حوزه مفهومی و انتزاعی، به کلمه یا تعبیری آشنا و نزدیک به ذهن تشبیه می‌شود؛ به بیان دیگر، «الف» به مثابه «ب» فهم می‌شود. مثلاً وقتی حافظ می‌گوید «در این بازار اگر سودیست با درویش خرسند است»، از استعاره بهره گرفته است. بدیهی است که منظور این نبوده که بازار و جهان دقیقاً یکی هستند، بلکه او با اشاره به بازار و سود که مفاهیمی آشنا هستند، می‌کوشد فهم جدیدی از جهان و ساز و کار آن ارائه دهد. به عبارت دقیق‌تر «استعاره با درهم‌آمیختن دریافت‌های ما از مشبه و مشبه‌به معنایی می‌سازد که حاصل تبادل آنها است و نمی‌توان با تفسیر تحت اللفظی، شباهت آن دو عنصر را بیان کرد».

استعاره سبب می‌شود مفهومی انتزاعی را، با قیاس آن با مفهومی آشنا در زندگی روزمره بهتر درک کنیم. بنابراین استعاره تنها سبکی در گفتار و نوشتار یا صنعتی ادبی نیست، بلکه طبق نظر افلاطون راهی برای اندیشیدن است. فهم از طریق استعاره حاصل نوعی تفکر قیاسی (analogical thinking) است و پرورش آن در یادگیرندگان روشی موثر در آموزش مفهومی و معنادار است.

درک عمیق مفهوم آموزش از رهگذر استعاره‌ها در علوم تربیتی نهادینه شده است. از مشهورترین استعاره‌هایی که در آموزش به کار گرفته شده‌اند می‌توان به «محیط

مثابه کارخانه تنها آرایه‌ای ادبی نیست، بلکه به ما در درک مفهوم آموزش از این منظر و اندیشیدن به آن کمک می‌کند، از این رو، استعاره هم در یادگیری و هم در مفهوم‌پردازی در پژوهش‌های آموزشی ابزار مناسبی است.

منابع برای مطالعه بیشتر

1. Zangui A, Shabani Varaki B, Fotuhi M, Masudi J. [Metaphor: Concept, Theories and its educational functions]. Foundations of Education. 2010; 11(1): 77-108. [Persian]
2. SheikhRezaei H. [Metaphor and Science]. Journal of Religious Thought. 2009; 9(30): 57-74.[Persian]
3. Ahmady S, Yaghmaei M, Arab M, Monajemi A. Metaphor in Education: Hidden but Effective. JME. 2016; 15(1):52-57.